

The Effect of the Company's Strategy, political Cost and Power of Management on Financial Reporting Timeliness on the listed companies in Tehran Stock Exchange

Javad Nik Kar*

Assistant Professor of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Eslam Mohamadi

Master of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Timeliness of financial reporting is one of the most important elements of the companies' financial information quality and is related to the speed of financial reporting. The purpose of this research is to investigate the impact of corporate strategy, political costs, and management power on the timeliness of financial reporting in listed companies in Tehran Stock Exchange. For this purpose, hypotheses were developed and data were analyzed for 105 listed companies on Tehran Stock Exchange during 2009-2018 using an integrated panel data approach. The Results showed that regarding the impact of company strategy, only competitive strategies and company strategy with respect to future information increase the financial reporting timeliness. On the other hand, the findings suggested that a more systematic risk and size of the company, respectively, reduce and increase the Financial reporting timeliness. In addition, according to the findings of the research, it can be claimed that the Management ability as one of the power management indicators has a significant impact on the timeliness of financial reporting and higher ability will increase the financial reporting timeliness.

Keywords: Company Strategy, Political Costs, Management Power And Timely Financial Reporting.

پژوهش‌های حسابداری مالی
سال یازدهم، شماره چهارم، پیاپی (۴۲)، زمستان ۱۳۹۸
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵
صص: ۸۷-۱۱۰

تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری

مالی

جواد نیک‌کار^{۱*}، اسلام محمدی^{**}

*استادیار حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

j.nickar@gmail.com

**کارشناس ارشد حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

eslam.mohammadi@yahoo.com

چکیده

به‌موقع بودن گزارشگری مالی، یکی از مهم‌ترین ارکان کیفیت ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها و مربوط به سرعت گزارشگری مالی است. هدف این پژوهش نیز بررسی تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور فرضیه‌هایی تدوین شده‌اند و اطلاعات مربوط به ۱۰۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار برای دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ بررسی و تجزیه و تحلیل شده‌اند. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده‌های تابلویی با رویکرد داده‌های تلفیقی بررسی و آزموده شد. یافته‌ها نشان دادند در ارتباط با تأثیر استراتژی شرکت، تنها استراتژی‌های رقابتی و استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات آتی، افزایش به‌موقع بودن گزارشگری مالی را سبب خواهند شد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهند ریسک سیستماتیک و اندازه شرکت به ترتیب کاهش و افزایش به‌موقع بودن گزارشگری مالی را سبب می‌شوند. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان ادعا کرد توانایی مدیریت، یکی از شاخص‌های قدرت مدیریت، تأثیر معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد و توانایی بالاتر، افزایش به‌موقع بودن گزارشگری مالی را سبب می‌شود.

واژه‌های کلیدی: استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی، قدرت مدیریت و به‌موقع بودن گزارشگری مالی

مقدمه

پاسخگویی که خواستگاه آن احترام به حقوق انسان است، در سطوح مختلف ملی و بنگاه‌های تجاری مطرح است. مدیران در مقابل سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر اشخاص ذی‌نفع موظف‌اند از طریق ارائه اطلاعات به موقع، شفاف و قابل اعتماد، آنان را در جریان نحوه به‌کارگیری منابع اقتصادی و نتایج عملیات واحد تجاری قرار دهند و امکان تصمیم‌گیری و قضاوت منطقی را برای آنان فراهم کنند [۵]. به موقع بودن، اهمیت حیاتی برای بازارهای سرمایه دارد و یکی از اجزای اصلی بازار سرمایه کارا محسوب می‌شود. انتشار به موقع اطلاعات باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات، مبادلات نهانی، شایعه‌ها و درز اطلاعات در بازار می‌شود و به ارزشیابی و قیمت‌گذاری اوراق بهادار، جذب سرمایه و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه کمک می‌کند. در مقابل، دسترسی نداشتن به اطلاعات دقیق و به موقع باعث ناکارایی بازار، افزایش ابهام در تصمیم‌گیری و کاهش مربوط بودن گزارش‌های مالی و محتوای اطلاعاتی آنها می‌شود [۳۵].

صورت‌های مالی حسابرسی شده، یکی از منابع اطلاعاتی برون‌سازمانی اتکاپذیر محسوب می‌شود که شرکت‌ها ملزم به ارائه آن برای استفاده‌کنندگان‌اند. همچنین، به موقع بودن گزارشگری مالی، یکی از عناصر اساسی مفهوم افشا است که ارزش این گزارش‌ها را افزایش می‌دهد. صرف‌نظر از اینکه آیا کسی به موقع بودن را به عنوان هدف حسابداری یا یکی از ویژگی‌های مفید بودن اطلاعات حسابداری برمی‌گزیند یا خیر، واضح است هم مقررات افشا و هم بخش وسیعی از ادبیات حسابداری این قضیه را پذیرفته است که به موقع بودن یک شرط ضروری

برای متقاعدشدن در رابطه با مفید بودن صورت‌های مالی است [۳۰]. علاوه بر این، به موقع بودن گزارش‌های مالی، یکی از مهم‌ترین ارکان کیفیت ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها است؛ زیرا بهنگام بودن اطلاعات است که می‌تواند به استفاده بهتر و مفیدتر استفاده‌کنندگان اطلاعاتی منجر شود؛ در نتیجه، تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی باید توجه ویژه‌ای به سرعت گزارشگری، به معنای میزان تأخیر زمانی در ارائه گزارش‌های مالی شرکت‌ها داشته باشد. افزایش سرعت گزارشگری به دلیل استفاده به موقع تر اطلاعات در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران به شفافیت بیشتر اطلاعات مالی شرکت‌ها و به تبع آن، شفافیت بالاتر بازار سرمایه منجر می‌شود که این موضوع تأثیر بسزایی بر جذابیت بازارهای مالی و سرمایه می‌تواند داشته باشد [۲۴]. با توجه به مطالب مطرح‌شده، انتشار به موقع اطلاعات مالی برای افراد برون‌سازمانی و بخصوص سرمایه‌گذاران جزء، اهمیت خاصی دارد؛ بنابراین، ارائه به موقع اطلاعات راهی برای کاهش عدم تقارن اطلاعات و کاهش پخش شایعات درباره سلامت و عملکرد مالی شرکت است. پژوهش‌های انجام‌شده در گذشته، تأثیر عواملی نظیر سطح نظارت داخلی [۸]، سطح نظارت خارجی [۱۲]، اخبار مثبت و منفی [۹]، پیچیدگی حسابداری شرکت بررسی شده [۳]، عملکرد شرکت [۱۱]، درماندگی مالی [۱۰] و همچنین کیفیت گزارشگری مالی [۲] بر فرایند ارائه اطلاعات را بررسی کرده‌اند که در پژوهش‌های داخلی نیز شایان توجه قرار گرفته است. تاکنون توجه خاصی به موضوع به موقع بودن گزارشگری مالی و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه استراتژی‌های مختلف شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت نشده است. خلأ موجود در

پژوهش‌های داخلی بحث مربوط به مسائل روز اقتصاد کشور است که درگیر مسائلی نظیر نداشتن استراتژی‌های اقتصادی مناسب شرکت‌ها به دلیل ماهیت پیچیده تحریم‌ها و همچنین اثر عوامل سیاسی موجود در اقتصاد کشور و بحث قدرت مدیریت داخلی شرکت‌ها در شرایط بحران اقتصادی (با توجه به توانایی‌ها و بحث وجود لابیگری‌ها در تداوم انتخاب مدیران) است که به مسئله اساسی مدیریت اقتصاد کشور تبدیل شده است. این عوامل مسلماً بر کیفیت ارائه اطلاعات مالی از دید به‌موقع بودن و اتکاپذیر بودن تأثیرگذار است. با توجه به خلأ موجود مسئله اساسی این پژوهش، بررسی تأثیر استراتژی‌های متفاوت شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران است.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

بهنگام بودن اطلاعات، ویژگی بااهمیتی برای مربوط بودن اطلاعات است [۳۳]. اطلاعاتی که شرکت‌ها در بازار سرمایه، در دوره‌های زمانی مشخص شده منتشر می‌کنند، مهم‌ترین عامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است؛ اما با توجه به اینکه این اطلاعات در صورتی مؤثرند که در زمان مناسب گزارش شوند، به زمان گزارش آنها توجه بسیاری شده است. زمان ارائه اطلاعات یک رابطه دو طرفه از مقررات و ضوابط انتشار اطلاعات از بازار سرمایه و استراتژی‌های شرکت است [۲۳]. تأثیر سطح رقابت و استراتژی رقابتی شرکت در این رابطه، یکی از این استراتژی‌هاست که در پژوهش‌های گذشته نادیده گرفته شده است. به‌صورت کلی این استدلال وجود

دارد که محیط رقابتی، محیطی پویا و دائم در حال تحول است و شرکت‌هایی در این شرایط پیروز خواهند بود که با سرعت بیشتری شرایط خود را با این ویژگی‌ها مطابقت دهند؛ در نتیجه، در ارتباط با تأثیر استراتژی رقابتی چند استدلال قوی وجود دارد. استدلال اول بیان می‌کند با توجه به محیط پویا، شرکت‌های موجود در صنایع با سطح رقابتی بالاتر، برای بقا مجبور به تأمین مالی سریع و اخذ تصمیمات استراتژیک‌اند؛ بنابراین، برای جذب سرمایه از طریق اوراق بدهی یا اوراق مالکانه و حتی اخذ وام از سیستم بانکی به سرعت بیشتری برای گزارشگری مالی و ارائه اطلاعات به‌موقع به بازار نیازمندند. درحقیقت، باید به دنبال کاهش تأخیر در گزارشگری مالی برای تأمین مالی بهنگام و اخذ تصمیمات استراتژیک به‌موقع باشند؛ حتی این استدلال وجود دارد که شرکت‌های موجود در محیط رقابتی به‌منظور ایجاد اطمینان در بازار برای تأمین مالی با هزینه کمتر و تسریع در انجام تأمین مالی، به ایجاد اطمینان بازار به فعالیت‌های شرکت نیازمند باشند که مطمئناً ارائه اطلاعات با کمترین سطح تأخیر می‌تواند یکی از راه‌های کسب اطمینان بازار باشد. همچنین، این استدلال وجود دارد که سطح رقابت بیشتر، افزایش سطح نظارت و کنترل را سبب می‌شود [۳۲]؛ در نتیجه، نظارت موثر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی و انتشار به‌موقع صورت‌های مالی منجر خواهد شد؛ زیرا سطح نظارت مناسب، به بهبود ارزیابی مدیران از فعالیت‌ها، ریسک کمتر و ارائه به‌موقع صورت‌های مالی منجر می‌شود [۲۳]. با توجه به این استدلال‌ها فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: استراتژی رقابتی تأثیر مثبت معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

به موقع صورت‌های مالی خواهد شد. علاوه بر این، شرکت‌ها به دلیل ارائه پاسخگویی به تأمین‌کنندگان منابع برای تأمین مالی آتی با کمترین هزینه (کاهش هزینه سرمایه آتی)، این امکان وجود دارد که شرکت‌ها این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار عرضه کنند تا بتوانند مقبولیت بیشتری را در بازار سرمایه برای شرکت به دست آورند [۲۵]؛ بنابراین، فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر تدوین شده است: فرضیه سوم: استراتژی تأمین مالی شرکت تأثیر مثبت معناداری بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

همچنین، از عوامل مهم و اثرگذار دیگر بر به موقع بودن گزارشگری مالی استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات گذشته و آینده است. به طور کلی این استدلال وجود دارد که اگر اطلاعات حاوی اخبار مثبت باشد، سبب گزارشگری به موقع تر و اگر حاوی اخبار منفی باشد، سبب تأخیر در گزارشگری مالی خواهد شد [۲۵]. براساس این، برای نخستین بار بیور [۱۸] اشاره کرده است اخبار منفی، به دلایلی مانند وجود یک سیستم حسابداری محافظه‌کارانه یا افزایش مالیات پرداختی، با تأخیر بیشتری نسبت به اخبار مثبت منتشر می‌شوند؛ در نتیجه، فرضیه چهارم تا ششم پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه چهارم: نوسانات فروش تاریخی تأثیر معناداری بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارند. فرضیه پنجم: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تأثیر معناداری بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

فرضیه ششم: درصد رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر معناداری بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

همچنین، در ارتباط با تأثیر هزینه‌های سیاسی بر به موقع بودن گزارشگری مالی این استدلال وجود دارد که شرکت‌های با هزینه سیاسی بالاتر معمولاً اندازه بزرگ‌تری دارند و جزء شرکت‌های خیلی

در ارتباط با تأثیر استراتژی سرمایه‌گذاری بر به موقع بودن گزارشگری مالی نیز دو فرضیه رقیب وجود دارد. استدلال اول ادعا می‌کند به دلیل اینکه این اطلاعات می‌تواند محرمانه تلقی شود و رقبا از این اطلاعات سوءاستفاده کنند و فرصت سودآور شرکت توسط رقبا با ریسک مواجه شود، این انتظار وجود دارد که سبب تأخیر بیشتری بر گزارشگری مالی شرکت شود. استدلال دوم بیان می‌کند به دلیل ارائه پاسخگویی به تأمین‌کنندگان منابع برای تأمین مالی آتی با کمترین هزینه (کاهش هزینه سرمایه آتی)، این امکان وجود دارد که شرکت‌ها این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار عرضه کنند تا بتوانند مقبولیت بیشتری را در بازار سرمایه برای شرکت به دست آورند. اگر این سرمایه‌گذاری‌ها در طرح‌هایی انجام شود که بهتر بتواند مسئولیت اجتماعی شرکت در قبال جامعه را فراهم کند و سبب بهبود زیرساخت‌های کشور و حتی ارتقای شاخص‌های اقتصادی نظیر بیکاری شود، این امکان وجود دارد که شرکت به منظور استفاده تبلیغاتی، این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار مخابره کند [۲۰]؛ بنابراین، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه دوم: استراتژی سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر منفی معناداری بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

علاوه بر این، در ارتباط با تأثیر استراتژی تأمین مالی بر به موقع بودن گزارشگری مالی، دو استدلال وجود دارد که استراتژی تأمین مالی سبب افزایش به موقع بودن گزارشگری مالی شود. استدلال اول ادعا می‌کند اگر تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی انجام شود، به دلیل اهمیت نظارت بیرونی اعتباردهندگان بر فعالیت‌های شرکت سبب بهبود سطح نظارت و در پی آن منجر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی و انتشار

سیستماتیک در اقتصاد را سبب می‌شود که تحمیل بیشتر هزینه‌های سیاسی بر شرکت و ایجاد ابهام اقتصادی بیشتر را موجب خواهد شد. در ارتباط با تأثیر این متغیر بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی استدلال می‌شود هرچه ریسک سیستماتیک در اقتصاد بیشتر باشد، به دلیل ایجاد ابهام بیشتر شرکت‌ها، زمان بیشتری را صبر می‌کنند تا بتوانند از ابهام بیشتر صورت‌های مالی خود به دلیل ابهام اقتصادی در کل اقتصاد بکاهدند که تأخیر بیشتر در گزارشگری مالی را سبب می‌شود [۱۶]؛ در نتیجه، فرضیه هفتم تا نهم پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه هفتم: ریسک سیستماتیک شرکت تأثیر منفی معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

فرضیه هشتم: نسبت هزینه مالیات به فروش تأثیر منفی معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

فرضیه نهم: اندازه شرکت تأثیر مثبت معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

همچنین، پژوهش حاضر تأثیر قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی را بررسی می‌کند که برای اندازه‌گیری آن از دو شاخص توانایی و تداوم انتخاب مدیریت استفاده شده است. به صورت کلی، در ارتباط با تأثیر این متغیرها بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دو استدلال رقیب وجود دارد. استدلال اول ادعا می‌کند در صورتی که مدیر توانمند و صاحب قدرت، این توانایی و قدرت خود را در جهت حداکثرسازی ارزش شرکت به کار ببرد، به دلیل ایجاد شفافیت، کاهش هزینه سرمایه، کاهش ابهام و ریسک و به همراه آن افزایش ارزش شرکت در بلندمدت گزارشگری مالی را به‌موقع‌تر ارائه می‌کند و تأخیر در گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد. در حالی که استدلال رقیب بیان می‌کند در صورتی که مدیر توانمند و صاحب قدرت، این توانایی و قدرت

بزرگ محسوب می‌شوند. بنابراین، دو فرضیه رقیب وجود دارد: استدلال اول ادعا می‌کند این شرکت‌ها به دلیل حجم زیاد رویدادها و پیچیدگی‌های مالی بیش از حد، معمولاً گزارشگری مالی را با تأخیر بیشتری ارائه خواهند داد. استدلال دوم بیان می‌کند همبستگی منفی بین تأخیر در انتشار صورت‌های حسابرسی شده و هزینه‌های سیاسی بیشتر به دلیل اندازه بزرگ‌تر شرکت وجود دارند؛ زیرا، احتمالاً شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل کنترل‌های داخلی قوی و توانایی حساب‌رسان برای تکمیل کار حسابرسی در زمان مناسب گزارش‌های مالی را ارائه داده‌اند و تأخیر کمتری در گزارشگری مالی خود دارند. علاوه بر اندازه، پرداخت مالیات می‌تواند یکی دیگر از معیارهای هزینه سیاسی باشد که به شرکت‌ها تحمیل می‌شود. در ارتباط با تأثیر این متغیر بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی این استدلال وجود دارد که استراتژی‌های پرداخت مالیات همراه با پنهان کردن حقایق است (بحث اجتناب مالیاتی) که این عمل با هدف کاهش میزان مالیات، از طریق پنهان کردن حقایق صورت می‌گیرد؛ در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند که این موضوع می‌تواند ابهام شرکت را افزایش دهد. همچنین، سیاست‌های افشا بر میزان شفافیت شرکت تأثیر می‌گذارند. رویه‌های جسورانه مالیاتی سبب پنهان کردن حقایق و افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق محدود کردن افشا می‌شوند؛ در نتیجه، با توجه به مطالب بیان‌شده استدلال می‌شود انتخاب سیاست‌های مالیاتی، به عنوان هزینه سیاسی تحمیل شده به شرکت، بر سیاست‌های افشا برای افزایش ابهام و ایجاد تأخیر بیشتر در گزارشگری مالی تأثیرگذار است [۳۴]. وجود ناپایداری‌های سیاسی نیز افزایش ریسک

نظارت با اثر بر سیستم کنترل داخلی شرکت می‌تواند بر زمان انجام حسابرسی و در پی آن بر به‌موقع بودن گزارش حسابرسی اثرگذار باشد.

آل طاها [۱۶] تأثیر مشخصه‌های شرکت (اندازه، سابقه و اهرم) بر گزارشگری مالی به‌موقع در بورس اردن را بررسی کرد. در این راستا، اطلاعات ۵۶۰ شرکت در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ بررسی شده بود. نتایج پژوهش او نشان دادند تأثیر معناداری بین این مشخصه‌ها و به‌موقع بودن گزارشگری مالی وجود دارد.

لیم و همکاران [۲۸] در پژوهشی، اثر راهبری شرکتی بر به‌موقع بودن سود را بررسی کرده‌اند. نمونه آنان شامل ۱۲۷۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس مالزی بوده است. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهند شرکت‌ها با مالکان دولتی، به‌عنوان سهامدار اکثریت، سرعت افشای بالاتری دارند. در مقابل، شرکت‌ها با مالکان خانوادگی و خارجی به‌عنوان سهامدار اکثریت گزارشگری با تأخیر بیشتری دارند.

پورعلی و همکاران [۳۰] عوامل اثرگذار بر تأخیر حسابرسی را بررسی کرده‌اند. در این راستا، ۱۳۹۷ گزارش مالی که شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ صادر کرده بودند، به‌عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد. نتایج پژوهش نشان دادند بین اندازه شرکت، سود هر سهم، صنعت شرکت، اینکه شرکت اقلام استثنایی داشته است یا خیر و اظهارنظر حسابرسی با تأخیر حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

چو و هاو [۲۱] تأثیر رقابت در بازار محصول بر به‌موقع بودن و کیفیت گزارشگری مالی را بررسی کرده‌اند. نمونه بررسی‌شده پژوهش آنان شامل ۷۵۲۲۰ سال - شرکت بین سال‌های ۲۰۰۹-۱۹۹۰ بوده است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نوع همبستگی و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش

خود را در جهت حداکثرسازی منافع شخصی خود به کار ببرد، به‌دلیل ایجاد ابهام و کاهش پیگیری فعالیت‌های خود از جانب استفاده‌کنندگان به دنبال ارائه صورت‌های مالی با تأخیر بیشتری خواهد بود [۱۵]؛ بنابراین، فرضیه دهم و یازدهم پژوهش به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه دهم: توانایی مدیریت تأثیر مثبت معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

فرضیه یازدهم: تداوم انتخاب مدیریت تأثیر منفی معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

پیشینه تجربی

ابرنتی و همکاران [۱۵]، تأثیر توانایی مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی را بررسی کرده‌اند. این پژوهش در کشور آمریکا انجام شد. نتایج پژوهش نشان دادند توانایی مدیریتی بالاتر با پردازش سریع‌تر، کاهش زمان اعلام سود و کوتاه‌تر شدن دوره حسابرسی مرتبط است؛ در نتیجه، نتایج نشان می‌دهند توانایی مدیریتی تأثیر مثبت معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد. همچنین، قافران و یاسمین [۳۱] تأثیر کمیته حسابرسی بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان دادند کمیته حسابرسی تأثیر منفی معناداری بر تأخیر گزارش حسابرسی دارد. به‌طور کلی، آنها نشان دادند عملکرد مناسب کمیته حسابرسی، بهبود به‌موقع بودن گزارشگری مالی را سبب می‌شود.

بتلی و همکاران [۲۰] تأثیر استراتژی شرکت و کنترل داخلی بر به‌موقع بودن گزارش حسابرسی را بررسی کرده‌اند. آنها با استفاده از داده‌های پانل، ۳۱۵ شرکت آمریکایی را در طول سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۸ بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان دادند استراتژی‌های متفاوت شرکت می‌تواند بر مقدار نظارت‌ها در گزارشگری مالی تأثیرگذار باشد و این

تعدیلگر مالکیت خانوادگی را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان دادند تأخیر در گزارش حسابرسی با خطای حسابرسی نوع اول رابطه معناداری ندارد؛ اما با خطای حسابرسی نوع دوم رابطه منفی و معناداری برقرار می‌کند. همچنین، بین مالکیت خانوادگی با خطای حسابرسی نوع اول رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما با خطای حسابرسی نوع دوم رابطه معناداری ندارد. سایر یافته‌ها نیز نشان می‌دهند مالکیت خانوادگی رابطه تأخیر در گزارش حسابرسی و خطای حسابرسی نوع دوم را تعدیل نمی‌کند.

بزرگ‌اصل و همکاران [۴] تأثیر عوامل مؤثر بر انتشار به‌موقع گزارش حسابرسی را بررسی کرده‌اند. پژوهش آنان از لحاظ هدف، کاربردی و رویکرد آن پس‌رویدادی بوده است. بازه زمانی پژوهش آنان دربرگیرنده سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ و نمونه آنان شامل ۱۱۵ شرکت است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره آزموده شد. آنان دریافتند بین ویژگی‌های اندازه مؤسسه حسابرسی، نوع اظهارنظر حسابرس، ریسک گزارش‌دهی، تعداد بندهای گزارش حسابرسی و اندازه هیئت‌مدیره با تأخیر در گزارش حسابرسی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج آنان نشان دادند بین تمرکز مالکیت و تخصص اعضای کمیته حسابرسی با تأخیر در گزارش حسابرسی، رابطه منفی و معناداری برقرار است.

تاریوردی و همکاران [۶] تأثیر استراتژی شرکت و توانایی مدیریت بر عدم تقارن رفتار هزینه را بررسی کردند. آنان هفت فرضیه برای بررسی این موضوع، تدوین و اطلاعات مربوط به ۱۰۶ شرکت عضو بورس اوراق بهادار را برای بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ تجزیه و تحلیل کرده‌اند. الگوی رگرسیون پژوهش از طریق روش داده‌های تلفیقی بررسی شد. آنان معتقدند استراتژی سرمایه‌گذاری، استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات

رگرسیون استفاده شده است. نتایج پژوهش آنان نشان دادند در شرایط رقابت کمتر، افشاهای بیشتر و با تأخیر بیشتری به بازار ارائه می‌شوند؛ اما در زمان رقابت بیشتر، افشاهای اندک با سرعت بیشتری به بازار ارائه خواهند شد.

جبارزاده و رادی [۷] تأثیر توانایی مدیریت بر شفافیت شرکتی را با تأکید بر اثر تعدیلگری ضعف کنترل‌های داخلی بررسی کرده‌اند. دوره زمانی پژوهش آنان شامل سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۵ بوده است و برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی از چهار شاخص عدم تقارن اطلاعاتی، نبود اطمینان اطلاعاتی، به‌موقع بودن و اتکاپذیر بودن اطلاعات و برای اندازه‌گیری متغیر توانایی مدیریت از مدل دمیرجان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شد. نتایج پژوهش نشان دادند توانایی مدیریت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و نبود اطمینان اطلاعاتی را سبب شده است و افزایش امتیاز افشای به‌موقع و ارتقای قابلیت اتکا را موجب می‌شود. نتایج دیگر پژوهش نشان دادند ضعف کنترل‌های داخلی بر رابطه بین توانایی مدیریت و شاخص‌های استفاده‌شده برای اندازه‌گیری شفافیت شرکتی تأثیر معناداری دارد.

لاری و همکاران [۱۳] در پژوهشی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر تأخیر در گزارشگری مالی را بررسی کردند. آنان با بررسی ۲۰۱ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ (۶۰۳ سال - شرکت) نشان دادند اندازه و سابقه تشکیل کمیته حسابرسی و وجود اعضای دارای تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی با کاهش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی همراه خواهد بود. علاوه بر این، آنان معتقدند استقلال کمیته حسابرسی و تجربه اعضای کمیته حسابرسی، افزایش تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی را موجب خواهد شد.

محمد رضایی و همکاران [۱۴] اثر تأخیر در گزارش حسابرسی بر خطای حسابرسی با نقش

هر مرحله از میان تمامی شرکت‌های بورسی در ابتدای سال ۱۳۸۵، شرکت‌هایی حذف شده‌اند که حائز ویژگی‌های زیر نبوده‌اند و شرکت‌های موجود برای انجام آزمون انتخاب شدند:

۱. شرکت‌ها باید در طول دوره زمانی مورد رسیدگی تداوم فعالیت داشته و به صورت مداوم در بورس فعال باشند.

۲. نمونه آماری تنها دربرگیرنده شرکت‌های تولیدی و صنعتی است.

۳. سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد. با توجه به اعمال شرایط بالا، در نهایت تعداد ۱۰۵۰ سال - شرکت، نمونه پژوهش برای انجام آزمون فرضیه‌ها در نظر گرفته شدند.

آینده و توانایی مدیریت، افزایش عدم تقارن رفتار هزینه را سبب خواهد شد. همچنین، نتایج آنان نشان دادند متغیرهای استراتژی رقابتی شرکت و استراتژی تأمین مالی سبب کاهش عدم تقارن رفتار هزینه می‌شوند. همچنین، نتایج آنان نشان می‌دهند استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات گذشته و رشد تولید ناخالص داخلی تأثیر معناداری بر عدم تقارن رفتار هزینه ندارند.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های بورسی در طول دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ بوده است. چگونگی انتخاب نمونه به صورتی بوده است که در

نگاره ۱. نحوه انتخاب نمونه

۵۷۷۰	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته شده بورسی (به صورت سال شرکت)
۴۳۵۰	تعداد شرکت‌هایی که داده‌های آنان در دسترس است و تداوم فعالیت داشته‌اند (به صورت سال شرکت)
۳۲۸۰	تعداد شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن ۱۲/۲۹ است (به صورت سال شرکت)
(۹۷۰)	تعداد شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها و ... (به صورت سال شرکت)
(۳۱۰)	شرکت‌های دارای ارزش دفتری سهام منفی (به صورت سال شرکت)
(۹۵۰)	تعداد شرکت‌هایی که در دوره پژوهش، اطلاعات ناقص داشته‌اند (یا داده پرت داشته‌اند) (به صورت سال شرکت)
۱۰۵۰	تعداد شرکت‌های باقیمانده به عنوان نمونه (به صورت سال شرکت)

الگوها و متغیرهای پژوهش

$$\text{Timeliness}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{MgrAbility}_{i,t} + \beta_2 \text{MgrTenure}_{i,t} + \beta_3 \text{ROA}_{i,t} + \beta_4 \text{Growth}_{i,t} + \beta_5 \text{CFO}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

(بررسی تأثیر قدرت مدیریت)

الگوهای پژوهش برای انجام آزمون فرضیه‌های انتخاب شده به شرح زیرند.

رابطه (۱) (بررسی تأثیر استراتژی‌های شرکت)

$$\text{Timeliness}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Comp}_{i,t} + \beta_2 \text{INV}_{i,t} + \beta_3 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{Volatility}_{i,t} + \beta_5 \frac{M}{B}_{i,t} + \beta_6 \text{GNP}_{i,t} + \beta_7 \text{ROA}_{i,t} + \beta_8 \text{Growth}_{i,t} + \beta_9 \text{CFO}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

رابطه (۲) (بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی)

$$\text{Timeliness}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Risk}_{i,t} + \beta_2 \text{Tax}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{Growth}_{i,t} + \beta_6 \text{CFO}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته پژوهش

به موقع بودن گزارشگری مالی ($\text{Timeliness}_{i,t}$):
متغیر وابسته این پژوهش، به موقع بودن گزارشگری مالی است که با تأخیر گزارشگری مالی به صورت زیر تعریف شده است [۱۵].

$$\text{DEL}_{i,t} = \text{LAG}_{i,t} - \text{LAG}_{i,t-1}$$

ج) (شاخص موانع ورود به صنعت) $PPE_{i,t}$: شاخص موانع ورود برابر با مجموع دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌های واحد تجاری است؛ به صورتی که اگر کمتر از میانه باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد [۲۷].

د) (شاخص کیو توین) $QTobin_{i,t}$: این شاخص، برابر با نسبت ارزش بازار به ارزش جایگزینی دارایی‌های شرکت است؛ به صورتی که اگر کمتر از میانه باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد و به صورت زیر محاسبه می‌شود [۲۷].

$$\text{نسبت کیو توین} = \frac{\text{ارزش دفتری بدهی‌ها} + \text{ارزش بازار سهام}}{\text{ارزش دفتری کل دارایی‌ها}}$$

بعد از مشخص شدن عدد برای هر سال شرکت، استراتژی رقابتی شرکت به شرح زیر اندازه‌گیری خواهد شد.

$$Comp = \frac{\sum_{j=1}^m d_j}{\sum_{j=1}^n H_j}$$

در این رابطه، $\sum d_j$ نشان‌دهنده کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته‌اند و $\sum H_j$ نشان‌دهنده کلیه اقلامی است که ارزش‌های صفر یا یک درباره آنها لحاظ شده است. به این صورت برای هر شرکت، استراتژی رقابتی محاسبه شده است و در بازه صفر تا یک قرار خواهد گرفت.

استراتژی سرمایه‌گذاری ($INV_{i,t}$): برابر با جمع املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات به کل دارایی‌های شرکت است [۲۲].

استراتژی تأمین مالی ($Leverage_{i,t}$): برابر با جمع کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت است که بیان می‌کند شرکت در استراتژی‌های تأمین مالی بر جذب سرمایه از طریق بدهی تمرکز دارد یا بر حقوق مالکانه [۲۲].

استراتژی با توجه به اطلاعات گذشته ($Volatility_{i,t}$): برابر با ضریب تغییرات سه سال گذشته درآمد فروش است که درآمد فروش با استفاده از ارزش کل دارایی‌ها استاندارد شده است [۱۷].

$LAG_{i,t}$: نشان‌دهنده تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ گزارشگری است. گفتنی است تاریخ گزارشگری از سایت کدال استخراج شده است و با توجه به اینکه این متغیر نشان‌دهنده تأخیر است، عدد به‌دست‌آمده در عدد (-۱) ضرب می‌شود تا بیان‌کننده به‌موقع بودن گزارشگری مالی باشد.

متغیرهای مستقل پژوهش

متغیرهای استراتژی شرکت

استراتژی رقابتی شرکتی ($Comp_{i,t}$): به منظور محاسبه استراتژی رقابتی شرکتی از شاخص‌های زیر استفاده شده است [۲۷].

الف) (شاخص هرفیندال و هیرشمن) $HHI_{i,t}$: شاخص هرفیندال - هیرشمن نشان‌دهنده مجذور فروش هر شرکت به فروش کل صنعت است. گفتنی است متغیر بیان‌شده، میزان رقابت‌پذیری را در سطح صنایع متفاوت اندازه‌گیری کرده است؛ به صورتی که اگر کمتر از میانه باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد و به صورت زیر تعریف می‌شود [۲۷].

Herfindahl - Hirschman Index (HHI)

$$HHI = \sum_{i=1}^n \left(\frac{S_i}{S}\right)^2$$

S_i = بیان‌کننده درآمد فروش شرکت i ، S = جمع درآمد فروش واحدهای تجاری موجود در صنعتی که شرکت i در آن فعالیت می‌کند، n = تعداد واحدهای تجاری فعال در صنعت بررسی شده.

ب) (شاخص لرنر) $PMC_{i,t}$: این شاخص با به‌کارگیری از الگوی زیر محاسبه می‌شود؛ به صورتی که اگر کمتر از میانه باشد، عدد یک و در غیر این صورت صفر را می‌پذیرد [۲۷].

$$PMC = \frac{\text{Sales} - \text{Total Cost}}{\text{Sales}}$$

که در آن، $Sales$ مبلغ فروش و $Total Cost$ کل بهای تمام‌شده کالاها یا خدمات است.

نسبت مالیات به فروش ($Tax_{i,t}$)؛ نشان‌دهنده نسبت مالیات به فروش شرکت است [۲۹].
اندازه شرکت ($Size_{i,t}$)؛ نشان‌دهنده لگاریتم ارزش بازار شرکت است [۲۹].

متغیرهای قدرت مدیریت

توانایی مدیریت ($MgrAbility_{i,t}$): در این پژوهش، شاخص توانایی مدیریت از طریق مدل دمرجیان و همکاران [۲۴] محاسبه شد. در این الگو، ابتدا کارایی شرکت، محاسبه و بعد از آن با کنترل خصوصیات ذاتی شرکت، توانایی مدیریت اندازه‌گیری می‌شود. آنان برای محاسبه کارایی شرکت، از روش تحلیل پوششی داده‌ها به شرح زیر استفاده کردند.

استراتژی با توجه به اطلاعات آینده ($\frac{M}{B}_{i,t}$): برابر با حاصل تقسیم ارزش بازار شرکت بر ارزش دفتری آن است. این روش محاسبه براساس این تئوری قرار دارد که در قیمت بازار سهام شرکت انتظارات مربوط به اطلاعات آینده نهفته است [۱۷].

استراتژی با توجه به اطلاعات آینده ($GDP_{i,t}$): برابر با درصد رشد تولید ناخالص داخلی است. این شاخص براساس این تئوری قرار دارد که رشد مثبت و منفی GDP در اقتصاد کشور بیان‌کننده چشم‌انداز مثبت و منفی برای اقتصاد کشور است؛ بنابراین این عدد، اطلاعات آینده‌نگر برای آینده وضعیت شرکت‌ها و صنایع مختلف دارد [۲۷].

متغیرهای هزینه‌های سیاسی شرکت

ریسک سیستماتیک ($Risk_{i,t}$): برابر با ریسک سیستماتیک شرکت است [۲۹].

$$Max_v \theta = \frac{Sales}{v_1 CoGS + v_2 SG\&A + v_3 NetPPE + v_4 OpsLease + v_5 R\&D + v_6 Goodwill + v_7 Intan}$$

(رابطه ۴)

Firm Efficiency

$$= \alpha_0 + \alpha_1 Size_{i,t} + \alpha_2 Marketshare_{i,t} + \alpha_3 FCF_{i,t} + \alpha_4 Age_{i,t} + \alpha_5 FCI_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن، $Size_{i,t}$ اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت، $Marketshare_{i,t}$ سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت، $FCF_{i,t}$ متغیری موهومی که در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی عملیاتی، برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر در نظر گرفته شده است، $Age_{i,t}$ عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی است که شرکت در بورس پذیرفته شده است، $FCI_{i,t}$ نیز متغیر موهومی است و برای شرکت‌هایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته‌اند، برابر یک و در غیر این صورت صفر در نظر

$CoGS$ برابر بهای تمام‌شده کالای فروخته، $SG\&A$ برابر هزینه‌های عمومی اداری و فروش، $NetPPE$ برابر مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات، $OpsLease$ برابر هزینه اجاره عملیاتی، $R\&D$ برابر هزینه تحقیق و توسعه، $Goodwill$ برابر سرقفلی خریداری شده و $Intan$ برابر مانده خالص دارایی نامشهود است.

آنان به منظور کنترل تأثیر ویژگی‌های ذاتی شرکت در مدل خود، کارایی شرکت را به دو بخش کارایی بر مبنای ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم کردند. این پژوهشگران، تکنیک بیان‌شده را از طریق کنترل ۵ خصوصیت ذاتی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات)) انجام دادند. در مدل زیر که دمرجیان و همکاران [۲۴] ارائه کرده‌اند، این ۵ ویژگی کنترل شده‌اند.

معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد؛ زیرا افزایش این متغیر به‌عنوان خبری مثبت، موجب ایجاد انگیزه برای مدیریت به‌منظور ارائه سیگنال مثبت به بازار می‌شود [۱۵].

جریان نقد عملیاتی $CFO_{i,t}$: برابر با نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی‌های شرکت است. برای اثر این متغیر، استدلال می‌شود این متغیر به‌عنوان شاخص نقدی بازده عملیاتی شرکت، شاخصی برای اخبار مثبت یا منفی است؛ به‌طوری‌که افزایش آن نشان‌دهنده خبری مثبت برای بازار و کاهش آن بیان‌کننده خبری منفی برای بازار است. در نتیجه، این استدلال وجود دارد که این متغیر باید اثر مثبت معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی داشته باشد [۱۵].

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره ۲. آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش*

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
تأخیر در گزارشگری مالی	۰/۶۲۷	۰/۰۰۰	۱۵/۰۴۹	۵۲	-۴۹
شاخص رقابتی شرکت	۰/۴۹۹	۰/۵۰	۰/۲۸۴	۱	۰
نسبت املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات به کل دارایی‌ها	۰/۲۳۹	۰/۲۰۴	۰/۱۶۳	۰/۷۰۷	۰/۰۴۶
اهرم مالی	۰/۵۹۵	۰/۶۱۲	۰/۱۸۲	۰/۹۳۷	۰/۱۵۳
نوسانات فروش تاریخی	۰/۱۶۲	۰/۱۴۱	۰/۱۰۷	۰/۴۶۲	۰/۰۲۱
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۲/۳۰۱	۱/۹۸۳	۱/۵۶۹	۶/۸۱۲	۰/۳۱۰
رشد تولید ناخالص داخلی	۲/۴۵۰	۲/۳۵۰	۴/۵۲۳	۱۲/۵	-۶/۸۰۰
ریسک سیستماتیک	۰/۴۹۸	۰/۳۶۳	۰/۹۵۵	۲/۸۷۱	-۲/۶۱۴
نسبت هزینه مالیات به سود قبل از کسر مالیات شرکت	۰/۱۱۳	۰/۱۲۶	۰/۰۸۶	۰/۲۴۳	۰
اندازه شرکت	۱۳/۷۳۰	۱۳/۵۹۳	۱/۴۴۴	۱۸/۷۳۹	۹/۸۲۱
توانایی مدیریت	-۰/۰۰۰۵۶	-۰/۰۰۴۲	۰/۱۰۶	۰/۲۹۷	-۰/۲۵۳
تداوم انتخاب مدیریت	۳/۳۰۴	۲/۷۰۰	۲/۱۶۵	۱۱	۰/۵
بازده سرمایه‌گذاری	۰/۱۲۳	۰/۱۱۳	۰/۱۱۵	۰/۳۹۰	-۰/۲۰۷
رشد شرکت	۰/۱۷۷	۰/۱۵۴	۰/۲۹۷	۰/۸۸۹	-۰/۳۸۹
جریان نقد عملیاتی	۰/۱۱۸	۰/۱۰۶	۰/۱۱۴	۰/۵۴۸	-۰/۱۸۷

منبع: یافته‌های پژوهش

گرفته شده و باقیمانده مدل $(\varepsilon_{i,t})$ نیز بیان‌کننده میزان توانایی مدیریت است.

تداوم انتخاب مدیریت $MgrTenure_{i,t}$: نشان‌دهنده تداوم انتخاب مدیریت است که برابر با تعداد سال‌هایی است که مدیرعامل، مدیریت شرکت را به‌صورت مداوم در اختیار دارد [۱۵].

متغیرهای کنترل پژوهش

بازده دارایی $ROA_{i,t}$: برابر با نسبت سود شرکت به کل دارایی‌های شرکت است. برای اثر این متغیر بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی، استدلال می‌شود این متغیر به‌عنوان شاخص عملکردی، تأثیر مثبت معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد؛ زیرا افزایش این متغیر به‌عنوان خبری مثبت، موجب ایجاد انگیزه برای ارائه اطلاعات به‌موقع برای گزارشگری سالانه می‌شود [۱۹].

رشد شرکت $Growth_{i,t}$: برابر با رشد فروش شرکت نسبت به سال قبل است. برای اثر این متغیر بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی، استدلال می‌شود افزایش این متغیر به‌عنوان خبری مثبت، تأثیر مثبت

آزمون هم‌خطی متغیرهای مستقل و بررسی همسانی واریانس

هم‌خطی به مفهوم وجود ارتباط شدید میان متغیرهای مستقل است که با آماره VIF سنجیده می‌شود. مقادیر زیر ۱۰ برای این آماره نشان‌دهنده نبود هم‌خطی میان متغیرهای مستقل است. نتایج کسب‌شده نشان دادند برای تمامی مقادیر به‌دست آمده، این مقدار کمتر از حد مجاز است؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد هم‌خطی میان متغیرهای پژوهش مشاهده نشده است. برای بررسی همسانی واریانس میان باقیمانده‌های مدل نیز آزمون والد تعدیل‌شده به کار گرفته شده است. این آزمون در نرم‌افزار استاتا انجام شده است. نتیجه این آزمون برای مدل‌های پژوهش بیان‌کننده وجود همسانی واریانس میان باقیمانده‌های مدل است. نرمال‌بودن توزیع باقیمانده‌های رگرسیون نیز بررسی شد که نتایج نشان‌دهنده نرمال‌بودن این باقیمانده‌ها هستند^۱.

آمار استنباطی

با توجه به مبانی تئوریک طرح‌شده، یازده فرضیه، تدوین و سپس بررسی و آزموده شده‌اند. برای این هدف، ابتدا الگوی (۱) برای بررسی شش فرضیه اول آزمون شد؛ البته لازم است قبل از برآزش الگوهای پژوهش، آزمون چاو برای بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای نمونه پژوهش انجام شود [۱]. نتایج آزمون چاو در نگاره (۳) نشان داده شده‌اند.

با بررسی شاخص‌های انحراف معیار، ضریب کشیدگی و چولگی می‌توان ادعا کرد داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته از توزیع نرمال برخوردارند؛ زیرا متغیرها حداقل فاصله از ارزش ارائه‌شده برای کشیدگی را دارند [۲۶]. علاوه بر این، متغیر تأخیر در گزارشگری مالی، میانگین نزدیک به صفر دارد. اندازه حداکثری و حداقلی این متغیر به ترتیب ۵۲ و ۴۸- روز است که حد معقولی را در دوره ۱۰ ساله پژوهش نشان می‌دهد. علاوه بر این، متغیر رشد شرکت، میانگین ۰/۱۷۷ دارد و نشان‌دهنده افزایش میانگینی تقریبی ۱۷ درصدی این متغیر در سال در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار است که با توجه به نرخ تورم در کشور تا حدودی منطقی است. همچنین، با توجه به میانگین متغیر شاخص رقابتی شرکت که در حدود ۰/۵۰ است می‌توان ادعا کرد رقابت نسبی متوسطی در میان شرکت‌های نمونه پژوهش وجود دارد. با توجه به میانگین متغیر اهرم مالی که در حدود ۰/۶۰ است می‌توان بیان کرد در ساختار سرمایه شرکت‌های ایرانی بدهی نقش پررنگی دارد. افزون بر این، میانگین رشد تولید ناخالص داخلی برابر ۲/۴۵۰ با ضریب انحراف معیار ۴/۵۲۳ است که بیان‌کننده وجود نوسان اقتصادی در دوره پژوهش است. متغیر بازده دارایی‌ها نیز میانگین ۰/۱۲۳ دارد و بیان می‌کند شرکت‌ها میانگین بازده کمتری نسبت به نرخ تورم کسب کردند که می‌تواند ناشی از فشار تحریم‌ها باشد.

^۱ . لازم به توضیح است به دلیل محدودیت صفحه از آوردن جداول خودداری شده است.

نگاره ۳. نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های پژوهش*

مدل مورد بررسی	آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
مدل (۱) (بررسی تأثیر استراتژی شرکت)	۰/۹۹۴	۰/۵۰۰	روش داده‌های تلفیقی
مدل (۲) (بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی)	۱/۰۰۱	۰/۴۸۲	روش داده‌های تلفیقی
مدل (۳) (بررسی تأثیر قدرت مدیریت)	۱/۰۲۵	۰/۴۲۵	روش داده‌های تلفیقی

منبع: یافته‌های پژوهش

اصلی اول پژوهش) با توجه به روش ارجح بررسی شد. نتایج حاصل از بررسی این فرضیه‌ها در نگاره (۴) ارائه شده‌اند.

با توجه به نگاره (۳)، نتایج نشان‌دهنده تأیید فرض H_0 بوده‌اند؛ بنابراین، الگوی روش داده‌های تلفیقی روش پذیرفته شده است. در نتیجه، در ادامه با آزمون مدل (۱) تأثیر استراتژی شرکت (شش فرضیه

نگاره ۴. نتایج تخمین مدل (۱) پژوهش*

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدأ	۲/۸۱۷	۲/۸۳۷	۰/۹۹۳	۰/۳۲۰
شاخص رقابتی شرکت	۴/۷۰۲	۱/۸۶۷	۲/۵۱۷	۰/۰۱۱
نسبت املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات به کل دارایی‌ها	-۲/۳۲۹	۲/۵۴۸	-۰/۹۱۴	۰/۳۶۰
اهرم مالی	۴/۱۵۲	۲/۷۰۳	۱/۵۳۶	۰/۱۲۴
نوسانات فروش تاریخی	-۴/۰۱۱	۴/۲۲۲	-۰/۹۴۹	۰/۳۴۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	۱/۳۰۰	۰/۲۹۶	۴/۳۹۱	۰/۰۰۰
رشد تولید ناخالص داخلی	۰/۳۵۱	۰/۰۸۲	۴/۲۶۹	۰/۰۰۰
بازده سرمایه‌گذاری	۴/۱۲۶	۱/۰۷۹	۳/۸۲۳	۰/۰۰۰
رشد شرکت	۱/۳۸۵	۱/۴۱۳	۰/۹۸۰	۰/۳۲۷
جریان نقد عملیاتی	-۱/۵۲۶	۳/۱۸۳	-۰/۴۷۹	۰/۶۳۱
ضریب تعیین	۰/۵۲۰	آماره دوربین - واتسون	۲/۱۵۳	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۸۱	آماره F (احتمال آماره)	۶/۳۸۵ (۰/۰۰۰)	

منبع: یافته‌های پژوهش

خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های الگو است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند از میان متغیرهای کنترل، متغیر بازده سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد. در نگاره (۴)، نتایج فرضیه‌های مربوط به تأثیر استراتژی‌های متفاوت شرکت (شش فرضیه اول پژوهش) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی بررسی شده است. مطابق با نتایج و با توجه به ضریب مثبت و سطح خطای به‌دست‌آمده در ارتباط با تحلیل اثر

با توجه به آماره F به‌دست‌آمده (۶/۳۸۵) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان بیان کرد در سطح اطمینان ۹۹٪، الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۴۸٪ است که براساس آن می‌توان ادعا کرد در مجموع، متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۴۸٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح خواهند داد. افزون بر این، مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۲/۱۵۳ است که نشان‌دهنده نبود

استراتژی رقابتی بر به موقع بودن گزارشگری مالی، می‌توان ادعا کرد استراتژی رقابتی شرکت تأثیر مثبت معناداری (در سطح خطای ۰.۵٪) بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد. این نتایج مطابق با دو استدلال تئوریک‌اند: استدلال نخست ادعا می‌کند با توجه به محیط پویا، شرکت‌های موجود در صنایع با سطح رقابتی بالاتر، برای بقا مجبور به تأمین مالی سریع و اخذ تصمیمات استراتژیک‌اند؛ بنابراین، برای جذب سرمایه از طریق اوراق بدهی یا اوراق مالکانه و حتی اخذ وام از سیستم بانکی به سرعت بیشتری برای گزارشگری مالی و ارائه اطلاعات به موقع به بازار نیازمندند. همچنین، این استدلال وجود دارد که سطح رقابت بیشتر سبب افزایش سطح نظارت و کنترل می‌شود؛ در نتیجه، نظارت مؤثر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی و انتشار به موقع صورت‌های مالی منجر خواهد شد. بنابراین، با توجه به سطح معناداری، فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۰.۵٪ تأیید می‌شود که مطابق با نتایج پژوهش هونگ و فونگ [۲۵] است. مطابق با نتایج و با توجه به ضریب منفی و سطح خطای به دست آمده در ارتباط با تحلیل اثر استراتژی سرمایه‌گذاری (نسبت املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات به کل دارایی‌ها) بر به موقع بودن گزارشگری مالی، می‌توان ادعا کرد استراتژی سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر منفی غیرمعناداری (در سطح خطای ۰.۵٪) بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد. به طور کلی، در ارتباط با اثر استراتژی سرمایه‌گذاری دو استدلال رقیب وجود دارد: استدلال نخست بیان می‌کند به دلیل اینکه این اطلاعات می‌تواند محرمانه تلقی شود، رقبا از این اطلاعات سوءاستفاده کنند و فرصت سودآور شرکت توسط رقبا با ریسک مواجه شود، این انتظار وجود دارد که سبب تأخیر بیشتری بر گزارشگری مالی شرکت شود. استدلال دوم بیان می‌کند به دلیل ارائه پاسخگویی به

تأمین‌کنندگان منابع در جهت تأمین مالی آتی با کمترین هزینه (کاهش هزینه سرمایه آتی)، این امکان وجود دارد که شرکت‌ها این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار عرضه کنند تا بتوانند مقبولیت بیشتری را در بازار سرمایه برای شرکت به دست آورند. در نتیجه، با توجه به ضریب منفی باید ادعا کرد در شرکت‌های بورسی استدلال نخست پشتیبانی می‌شود؛ اما به دلیل غیرمعنادار بودن، فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۰.۵٪ رد می‌شود. همچنین، مطابق با نتایج و با توجه به ضریب مثبت و سطح خطای به دست آمده در ارتباط با تحلیل اثر استراتژی تأمین مالی (اهرم مالی) بر به موقع بودن گزارشگری مالی، می‌توان ادعا کرد استراتژی تأمین مالی شرکت تأثیر مثبت غیرمعناداری (در سطح خطای ۰.۵٪) بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد. به طور کلی، در ارتباط با اثر استراتژی تأمین مالی دو استدلال وجود دارد: استدلال نخست بیان می‌کند اگر تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی انجام شود، به دلیل اهمیت نظارت بیرونی اعتباردهندگان بر فعالیت‌های شرکت، سطح نظارت بهبود می‌یابد و به دنبال آن، کیفیت اطلاعات مالی و انتشار به موقع صورت‌های مالی افزایش خواهد یافت. علاوه بر این، به دلیل ارائه پاسخگویی به تأمین‌کنندگان منابع در جهت تأمین مالی آتی با کمترین هزینه (کاهش هزینه سرمایه آتی)، این امکان وجود دارد که شرکت‌ها این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار عرضه کنند تا بتوانند مقبولیت بیشتری در بازار سرمایه برای شرکت به دست آورند. در نتیجه، با توجه به ضریب مثبت باید ادعا کرد در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران این استدلال‌ها پشتیبانی می‌شود؛ اما به دلیل غیرمعنادار بودن فرضیه سوم پژوهش در سطح خطای ۰.۵٪ رد می‌شود.

گزارشگری مالی دارد که نشان‌دهنده رد فرضیه چهارم پژوهش است. همچنین، نتایج نشان می‌دهند استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات آینده اثر مثبت معناداری (در سطح خطای ۵ درصد) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد که بیان‌کننده تأیید فرضیه‌های پنجم و ششم پژوهش و مطابق با نتایج پژوهش هونگ و فونگ [۲۵] است.

همچنین، به‌منظور بررسی تأثیر هزینه‌های سیاسی (فرضیه‌های هفتم تا نهم) از مدل (۲) استفاده شده است. نتایج تخمین مدل (۲) با روش داده‌های تلفیقی، در نگاره (۵) ارائه شده‌اند.

در نگاره (۴)، نتایج فرضیه‌های چهارم تا ششم و اثر استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات گذشته (نوسانات فروش تاریخی) و آینده (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و رشد تولید ناخالص داخلی) بررسی شده است. مطابق مبانی تئوریک این انتظار وجود دارد که اگر اطلاعات حاوی اخبار مثبت باشد، سبب گزارشگری به‌موقع‌تر و اگر حاوی اخبار منفی باشد، سبب تأخیر در گزارشگری مالی خواهد شد. با توجه به این استدلال نتایج نشان دادند استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات گذشته تأثیر منفی غیرمعناداری (در سطح خطای ۰.۵٪) بر به‌موقع بودن

نگاره ۵. نتایج تخمین مدل (۲) پژوهش*

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدأ	-۴۴/۰۵۲	۹/۴۱۶	-۴/۶۷۸	۰/۰۰۰
ریسک سیستماتیک	-۱/۴۰۰	۰/۴۲۴	-۳/۳۰۱	۰/۰۰۰
نسبت هزینه مالیات به سود قبل از کسر مالیات شرکت	-۴/۸۸۲	۵/۸۰۴	-۰/۸۴۱	۰/۴۰۰
اندازه شرکت	۳/۲۲۱	۰/۶۷۴	۴/۷۷۳	۰/۰۰۰
بازده سرمایه‌گذاری	۷/۲۹۹	۲/۴۶۱	۲/۹۶۵	۰/۰۰۳
رشد شرکت	۰/۳۳۸	۱/۲۸۰	۰/۲۶۴	۰/۷۹۱
جریان نقد عملیاتی	-۱/۲۹۷	۳/۶۱۳	-۰/۳۵۹	۰/۷۱۹
ضریب تعیین	۰/۴۷۵	آماره دوربین - واتسون	۲/۱۲۸	
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۴۳۳	آماره F (احتمال آماره)	۵/۶۹۲ (۰/۰۰۰)	

منبع: یافته‌های پژوهش

است که نشان‌دهنده نبود خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های الگو است. نتایج نشان می‌دهند از میان متغیرهای کنترل، متغیر بازده سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

در نگاره (۵)، نتایج فرضیه‌های مربوط به تأثیر هزینه‌های سیاسی شرکت (فرضیه هفتم تا نهم پژوهش) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی بررسی

با توجه به آماره F به‌دست‌آمده (۵/۶۹۲) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان بیان کرد در سطح اطمینان ۹۹٪، در مجموع الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۴۳٪ است که براساس آن می‌توان ادعا کرد در مجموع، متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۴۳٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح خواهند داد. مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۲/۱۲۸

شده است. مطابق با نتایج و با توجه به ضریب منفی و سطح خطای به‌دست‌آمده در ارتباط با تحلیل اثر ریسک سیستماتیک بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی، می‌توان ادعا کرد ریسک سیستماتیک تأثیر منفی معناداری (در سطح خطای ۰.۵٪) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد. نتایج این فرضیه مطابق این استدلال است که وجود ناپایداری‌های سیاسی سبب افزایش ریسک سیستماتیک در اقتصاد می‌شود و باعث تحمیل بیشتر هزینه‌های سیاسی بر شرکت و ایجاد ابهام اقتصادی بیشتر خواهد شد. در ارتباط با تأثیر این متغیر بر تأخیر در گزارشگری مالی استدلال می‌شود هرچه ریسک سیستماتیک در اقتصاد بیشتر باشد، به‌دلیل ایجاد ابهام بیشتر، شرکت‌ها زمان بیشتری را صبر می‌کنند تا بتوانند از ابهام بیشتر صورت‌های مالی خود بکاهند که خود سبب تأخیر بیشتر در گزارشگری مالی می‌شود. در نتیجه، با توجه به ضریب منفی باید ادعا کرد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران این استدلال پشتیبانی می‌شود و به‌دلیل معنادار بودن، فرضیه هفتم پژوهش در سطح خطای ۰.۵٪ تأیید می‌شود که مطابق با نتایج پژوهش وی [۳۴] است. مطابق با نتایج و با توجه به ضریب منفی و سطح خطای به‌دست‌آمده در ارتباط با تحلیل اثر نسبت هزینه مالیات به سود قبل از کسر مالیات بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی، می‌توان ادعا کرد نسبت هزینه مالیات به سود قبل از کسر مالیات تأثیر منفی غیرمعناداری (در سطح خطای ۰.۵٪) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد. به‌طور کلی، در ارتباط با اثر نسبت هزینه مالیات به سود قبل از کسر مالیات این استدلال وجود دارد که انتخاب سیاست‌های مالیاتی، به‌عنوان هزینه سیاسی تحمیل شده به شرکت، می‌تواند بر سیاست‌های افشا

برای افزایش ابهام و ایجاد تأخیر بیشتر در گزارشگری مالی تأثیرگذار باشد. در نتیجه، با توجه به ضریب منفی باید ادعا کرد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران این فرضیه پشتیبانی می‌شود؛ اما به‌دلیل غیرمعنادار بودن، فرضیه هشتم پژوهش در سطح خطای ۰.۵٪ رد می‌شود. مطابق با نتایج و با توجه به ضریب مثبت و سطح خطای به‌دست‌آمده در ارتباط با تحلیل اثر اندازه شرکت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی، می‌توان ادعا کرد اندازه شرکت تأثیر مثبت معناداری (در سطح خطای ۰.۵٪) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد. به‌طور کلی، در ارتباط با اثر اندازه شرکت دو استدلال رقیب وجود دارد: استدلال نخست بیان می‌کند شرکت‌های بزرگ به‌دلیل حجم زیاد رویدادها و پیچیدگی‌های مالی بیش از حد، معمولاً گزارشگری مالی را با تأخیر بیشتری ارائه خواهند داد. استدلال دوم بیان می‌کند همبستگی منفی بین تأخیر در انتشار صورت‌های حسابرسی‌شده و هزینه‌های سیاسی بیشتر به‌دلیل اندازه بزرگ‌تر شرکت وجود دارد؛ زیرا احتمالاً شرکت‌های بزرگ‌تر به‌دلیل کنترل‌های داخلی قوی و توانایی حسابرسان برای تکمیل کار حسابرسی در زمان مناسب گزارش‌های مالی را ارائه می‌دهند و تأخیر کمتری در گزارشگری مالی خود دارند. در نتیجه، با توجه به ضریب مثبت باید ادعا کرد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران استدلال دوم پشتیبانی می‌شود و به‌دلیل معنادار بودن، فرضیه نهم پژوهش در سطح خطای ۰.۵٪ تأیید می‌شود که مطابق با نتایج پژوهش آل طاهها [۱۶] است.

همچنین، به‌منظور بررسی تأثیر قدرت مدیریت (فرضیه‌های دهم و یازدهم) از مدل (۳) استفاده شده

است. نتایج تخمین مدل (۳) با روش داده‌های تلفیقی، در نگاره (۶) ارائه شده‌اند.

نگاره ۶. نتایج تخمین مدل (۳) پژوهش*

متغیر	ضریب متغیر	انحراف استاندارد	آماره تی	سطح خطا
عرض از مبدأ	-۰/۳۴۵	۰/۷۹۹	-۰/۴۳۱	۰/۶۶۵
توانایی مدیریت	۴/۹۸۵	۱/۶۹۶	۲/۹۳۹	۰/۰۰۳
تداوم انتخاب مدیریت	-۰/۲۶۷	۰/۱۵۳	-۱/۷۴۷	۰/۰۸۰
بازده سرمایه‌گذاری	۸/۴۱۵	۳/۵۷۶	۲/۳۵۳	۰/۰۱۸
رشد شرکت	۱/۰۶۶	۱/۲۷۱	۰/۸۳۸	۰/۴۰۱
جریان نقد عملیاتی	-۱/۵۵۷	۳/۲۳۹	-۰/۴۸۰	۰/۶۳۰
ضریب تعیین	۰/۴۵۵	آماره دوربین - واتسون	۲/۱۰۶	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۲۰	آماره F (احتمال آماره)	۵/۱۴۲ (۰/۰۰۰)	

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به آماره F به‌دست‌آمده (۵/۱۴۲) و سطح خطای آن (۰/۰۰۰)، می‌توان بیان کرد در سطح اطمینان ۹۹٪، الگوی پژوهش از معناداری بالایی برخوردار است. ضریب تعیین تعدیل‌شده نیز برابر با ۴۲٪ است که براساس آن می‌توان ادعا کرد در مجموع، متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش بیش از ۴۲٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح خواهند داد. مقدار آماره دوربین واتسون نیز برابر ۲/۱۰۶ است که نشان‌دهنده نبود خودهمبستگی مرتبه اول میان باقیمانده‌های الگو است. همچنین، نتایج نشان می‌دهند از میان متغیرهای کنترل، متغیر بازده سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد.

در نگاره (۶)، نتایج فرضیه‌های دهم و یازدهم و اثر قدرت مدیریت (توانایی مدیریت و تداوم انتخاب مدیریت) بررسی شده است. به‌طور کلی، در ارتباط با اثر قدرت مدیریت دو استدلال رقیب وجود دارد: استدلال نخست ادعا می‌کند در صورتی که مدیر توانمند و صاحب قدرت، توانایی و قدرت خود را در جهت حداکثرسازی ارزش شرکت به کار ببرد، به دلیل ایجاد شفافیت، کاهش هزینه سرمایه، کاهش ابهام و

ریسک و به همراه آن افزایش ارزش شرکت در بلندمدت، گزارشگری مالی را به‌موقع‌تر ارائه می‌کند و سبب کاهش تأخیر در گزارشگری مالی می‌شود. استدلال رقیب بیان می‌کند، در صورتی که مدیر توانمند و صاحب قدرت، توانایی و قدرت خود را در جهت حداکثرسازی منافع شخصی خود به کار ببرد، به دلیل ایجاد ابهام و کاهش پیگیری فعالیت‌های خود توسط استفاده‌کنندگان، به دنبال ارائه صورت‌های مالی با تأخیر بیشتری خواهد بود. با توجه به این استدلال‌ها نتایج نشان دادند توانایی مدیریت تأثیر مثبت معناداری (در سطح خطای ۵٪) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد و نشان می‌دهد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در ارتباط با اثر توانایی مدیریت، استدلال اول پشتیبانی می‌شود؛ در نتیجه، به دلیل معنادار بودن، فرضیه دهم پژوهش در سطح خطای ۵٪ تأیید می‌شود که با نتایج پژوهش ابرنتی و همکاران [۱۵] مطابقت دارد. با توجه به نتایج، تداوم انتخاب مدیریت اثر منفی غیرمعناداری (در سطح خطای ۵٪) بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد که بیان می‌کند در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در ارتباط با اثر تداوم

انتخاب مدیریت، استدلال دوم پشتیبانی می‌شود و به دلیل غیرمعنادار بودن، فرضیه یازدهم پژوهش در سطح خطای ۵٪ رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به موقع بودن گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد. به این منظور، فرضیه‌هایی برای بررسی این موضوع، تدوین و با استفاده از اطلاعات در دسترس تجزیه و تحلیل شد. به طور کلی، این پژوهش استدلال می‌کند محیط رقابتی، محیطی پویا و دائم در حال تغییر است و شرکت‌هایی در این محیط موفق‌ترند که بتوانند با سرعت بیشتری شرایط خود را با این ویژگی‌ها وفق دهند؛ در نتیجه، در ارتباط با تأثیر استراتژی رقابتی، چند استدلال قوی وجود دارد. استدلال نخست ادعا می‌کند با توجه به محیط پویا، شرکت‌های موجود در صنایع با سطح رقابتی بالاتر، برای بقا مجبور به تأمین مالی سریع و اخذ تصمیمات استراتژیک‌اند؛ بنابراین، برای جذب سرمایه از طریق اوراق بدهی یا اوراق مالکانه و حتی اخذ وام از سیستم بانکی، به سرعت بیشتری برای گزارشگری مالی و ارائه اطلاعات به موقع به بازار نیازمندند. درحقیقت، باید به دنبال کاهش تأخیر در گزارشگری مالی برای تأمین مالی بهنگام و اخذ تصمیمات استراتژیک به موقع باشند. حتی این استدلال وجود دارد که شرکت‌های موجود در محیط رقابتی به منظور ایجاد اطمینان در بازار برای تأمین مالی با هزینه کمتر و تسریع در انجام تأمین مالی، نیازمند ایجاد اطمینان بازار به فعالیت‌های شرکت‌اند که مطمئناً ارائه اطلاعات با کمترین سطح

تأخیر می‌تواند یکی از راه‌های کسب اطمینان بازار باشد [۲۵]. همچنین، این استدلال وجود دارد که سطح رقابت بیشتر، افزایش سطح نظارت و کنترل را سبب می‌شود [۳۲]. در نتیجه، نظارت مؤثر به افزایش کیفیت اطلاعات مالی و انتشار به موقع صورت‌های مالی منجر خواهد شد؛ زیرا سطح نظارت مناسب، به بهبود ارزیابی مدیران از فعالیت‌ها، ریسک کمتر و ارائه به موقع صورت‌های مالی منجر می‌شود [۲۳]. در ارتباط با تأثیر استراتژی سرمایه‌گذاری بر تأخیر در گزارشگری مالی نیز دو فرضیه رقیب وجود دارد: استدلال نخست بیان می‌کند به دلیل اینکه این اطلاعات می‌تواند محرمانه تلقی شود، رقبا از این اطلاعات سوءاستفاده کنند و فرصت سودآور شرکت توسط رقبا با ریسک مواجه شود، این انتظار وجود دارد که سبب تأخیر بیشتری بر گزارشگری مالی شرکت شود. استدلال دوم بیان می‌کند به دلیل ارائه پاسخگویی به تأمین‌کنندگان منابع برای تأمین مالی آتی با کمترین هزینه (کاهش هزینه سرمایه آتی)، این امکان وجود دارد که شرکت‌ها این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار عرضه کنند تا بتوانند مقبولیت بیشتری را در بازار سرمایه برای شرکت به دست آورند. اگر این سرمایه‌گذاری‌ها در طرح‌هایی انجام شوند که بهتر بتوانند مسئولیت اجتماعی شرکت در قبال جامعه را فراهم کنند و سبب بهبود زیرساخت‌های کشور و حتی ارتقای شاخص‌های اقتصادی نظیر بیکاری شوند، این امکان وجود دارد که شرکت به منظور استفاده تبلیغاتی این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار مخابره کند [۱۵]. در ارتباط با تأثیر استراتژی تأمین مالی بر تأخیر در گزارشگری مالی دو استدلال وجود دارد که استراتژی تأمین مالی سبب کاهش تأخیر در گزارشگری مالی می‌شود.

شرکت‌هایی هزینه سیاسی بالاتر، معمولاً اندازه بزرگ‌تری داشته و جزء شرکت‌های خیلی بزرگ محسوب می‌شوند. بنابراین، دو استدلال رقیب وجود دارد: استدلال نخست بیان می‌کند این شرکت‌ها به دلیل حجم زیاد رویدادها و پیچیدگی‌های مالی، معمولاً گزارشگری مالی را با تأخیر بیشتری ارائه خواهند داد. استدلال دوم بیان می‌کند همبستگی منفی بین تأخیر در انتشار صورت‌های حسابرسی شده و هزینه‌های سیاسی بیشتر، به دلیل اندازه بزرگ‌تر شرکت وجود دارد؛ زیرا احتمالاً شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل کنترل‌های داخلی قوی و توانایی حسابرسان برای تکمیل کار حسابرسی در زمان مناسب گزارش‌های مالی را ارائه کرده‌اند و تأخیر کمتری در گزارشگری مالی خود دارند. علاوه بر اندازه، پرداخت مالیات می‌تواند یکی دیگر از معیارهای هزینه سیاسی باشد که به شرکت‌ها تحمیل می‌شود. در ارتباط با تأثیر این متغیر بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی این استدلال وجود دارد که استراتژی‌های پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق‌اند (بحث اجتناب مالیاتی) که این کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق صورت می‌گیرد. در نتیجه، اثر معکوسی بر محیط اطلاعاتی شرکت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد منافع را از شرکت خارج کنند که این موضوع ابهام شرکت را افزایش می‌دهد. رویه‌های جسورانه مالیاتی سبب پنهان کردن حقایق و افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران خارجی از طریق محدود کردن افشا می‌شوند؛ در نتیجه، با توجه به مطالب بیان شده می‌توان استدلال کرد انتخاب سیاست‌های مالیاتی، به‌عنوان هزینه سیاسی تحمیل شده به شرکت، بر سیاست‌های افشا در جهت افزایش ابهام و ایجاد تأخیر بیشتر در گزارشگری مالی تأثیرگذار است [۳۴]. وجود

استدلال نخست بیان می‌کند اگر تأمین مالی از طریق ایجاد بدهی انجام شود، به دلیل اهمیت نظارت بیرونی اعتباردهندگان بر فعالیت‌های شرکت، سطح نظارت بهبود می‌یابد و به دنبال آن، کیفیت اطلاعات مالی و انتشار به‌موقع صورت‌های مالی افزایش خواهد یافت. همچنین، شرکت‌ها به دلیل ارائه پاسخگویی به تأمین‌کنندگان منابع برای تأمین مالی آتی با کمترین هزینه (کاهش هزینه سرمایه آتی)، این امکان وجود دارد که شرکت‌ها این اطلاعات را با سرعت بیشتری به بازار عرضه کنند تا بتوانند مقبولیت بیشتری را در بازار سرمایه برای شرکت به دست آورند. از عوامل مهم و اثرگذار دیگر بر تأخیر در گزارشگری مالی، استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات گذشته و آینده است. به‌طور کلی، این استدلال وجود دارد که اگر اطلاعات حاوی اخبار مثبت باشد، گزارشگری به‌موقع‌تر و اگر حاوی اخبار منفی باشد، تأخیر در گزارشگری مالی را سبب خواهد شد [۲۵]. براساس این، برای نخستین‌بار بیور [۱۸] اشاره کرده است اخبار بد به دلایلی مانند وجود یک سیستم حسابداری محافظه‌کارانه یا افزایش مالیات پرداختی با تأخیرتر از اخبار خوب منتشر می‌شوند. مطابق این استدلال‌ها نتایج نشان دادند برای متغیرهای مربوط به استراتژی شرکت (شش فرضیه اول) تنها استراتژی رقابتی (فرضیه اول) و استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات آتی (فرضیه پنجم و ششم) تأثیر معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی دارد و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری (فرضیه دوم)، تأمین مالی (فرضیه سوم) و استراتژی شرکت با توجه به اطلاعات گذشته (فرضیه چهارم) تأثیر معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی ندارد.

همچنین، در ارتباط با تأثیر هزینه‌های سیاسی بر تأخیر در گزارشگری مالی این استدلال وجود دارد که

به دلیل ایجاد ابهام و کاهش پیگیری فعالیت‌های خود، به دنبال ارائه صورت‌های مالی با تأخیر بیشتری خواهد بود [۱۵]. مطابق این استدلال‌ها نتایج نشان دادند برای متغیرهای مربوط به قدرت مدیریت (فرضیهٔ دهم و یازدهم) تنها توانایی مدیریت (فرضیهٔ دهم) تأثیر معناداری بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد و متغیر تداوم انتخاب مدیریت (فرضیهٔ یازدهم) تأثیری بر به موقع بودن گزارشگری مالی ندارد.

پیشنهاد‌های کاربردی

در راستای نتایج به دست آمده از پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

- به سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود هنگام خرید سهام شرکت‌ها و تحلیل سرمایه‌گذاری‌ها به کیفیت اطلاعات و عوامل کیفی نظیر به موقع بودن اطلاعات توجه جدی داشته باشند؛ زیرا این عوامل، با توجه به تأثیرشان بر ارزش سرمایه‌گذاری، سبب می‌شوند سرمایه‌گذاران تصمیم‌گیری و پیش‌بینی صحیح‌تری از رفتار قیمت سهام داشته باشند. همچنین، با توجه به نتایج پژوهش به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در تحلیل و تشخیص شرکت‌های با گزارشگری به موقع به عواملی نظیر استراتژی رقابتی، استراتژی شرکت با توجه اطلاعات آینده، اندازه شرکت، ریسک سیستماتیک و توانایی مدیریت در ارائه اطلاعات توجه شود.
- به مالکان و مدیران که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های انجام شده در شرکت‌های بورسی دارند، توصیه می‌شود در ارتباط با تصمیم‌گیری مرتبط با به موقع بودن گزارشگری مالی توجه زیادی به عواملی نظیر استراتژی رقابتی، استراتژی

ناپایداری‌های سیاسی نیز افزایش ریسک سیستماتیک در اقتصاد را سبب می‌شود که تحمیل بیشتر هزینه‌های سیاسی بر شرکت و ایجاد ابهام اقتصادی بیشتر را موجب خواهد شد. در ارتباط با تأثیر این متغیر بر به موقع بودن گزارشگری مالی استدلال می‌شود هرچه ریسک سیستماتیک در اقتصاد بیشتر باشد، به دلیل ایجاد ابهام بیشتر، شرکت‌ها زمان بیشتری را صبر می‌کنند تا بتوانند از ابهام بیشتر صورت‌های مالی خود بکاهند که خود سبب تأخیر بیشتر در گزارشگری مالی می‌شود [۱۶]. مطابق این استدلال‌ها نتایج نشان دادند برای متغیرهای مربوط به هزینهٔ سیاسی (فرضیهٔ ششم تا نهم) تنها ریسک سیستماتیک (فرضیهٔ هفتم) و اندازهٔ شرکت (فرضیهٔ نهم) تأثیر معناداری بر به موقع بودن گزارشگری مالی دارد و متغیر نسبت هزینهٔ مالیات به سود قبل از کسر مالیات (فرضیهٔ هشتم) تأثیری بر به موقع بودن گزارشگری مالی ندارد.

در پژوهش حاضر، تأثیر توانایی و قدرت مدیریت بر تأخیر در گزارشگری مالی را بررسی می‌شود. به طور کلی، در ارتباط با تأثیر این متغیرها بر تأخیر در گزارشگری مالی دو استدلال رقیب وجود دارد: استدلال نخست بیان می‌کند در صورتی که مدیر توانمند و صاحب قدرت، توانایی و قدرت خود را در جهت حداکثرسازی ارزش شرکت به کار ببرد، به دلیل ایجاد شفافیت، کاهش هزینهٔ سرمایه، کاهش ابهام و ریسک و به همراه آن افزایش ارزش شرکت در بلندمدت، گزارشگری مالی را به موقع‌تر ارائه می‌کند و سبب کاهش تأخیر در گزارشگری مالی می‌شود. استدلال رقیب بیان می‌کند در صورتی که مدیر توانمند و صاحب قدرت، توانایی و قدرت خود را در جهت حداکثرسازی منافع شخصی خود به کار ببرد،

حسابرس، دانش حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۸۷-۱۰۳

۴. بزرگ‌اصل، موسی، رجب‌دردی، حسین و منوچهر خرمین. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر انتشار به‌هنگام گزارش حسابرسی. دانش حسابداری، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۱۱۵-۱۴۶.

۵. بیات، علی و علی احمدی. (۱۳۹۳). تأخیر حسابرسی و به‌موقع بودن گزارشگری مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۹۷-۱۲۱.

۶. تارپوردی، یدالله، نیک‌کار، جواد و الهه ملک خدایی. (۱۳۹۶). تأثیر استراتژی شرکت و توانایی مدیریت بر عدم تقارن رفتار هزینه. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۵۰۳-۵۲۶.

۷. جبارزاده، سعید و یاسر رادی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر شفافیت شرکتی با تأکید بر اثر تعدیلگری ضعف کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۱۱، شماره ۳۱، صص ۵۵-۸۰.

۸. خدادادی، ولی، نیک‌کار، جواد و سجاد ویسی. (۱۳۹۵). تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به‌موقع بودن افشای گزارشگری مالی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۵۳-۷۴.

۹. دولت‌آبادی، حسین، سلطان‌آبادی، حسن، بوستانی، حمیدرضا و صادق کریمی سیمکانی. (۱۳۹۳). بررسی عوامل تأثیرگذار بر تأخیر انتشار صورت‌های مالی سالانه حسابرسی‌شده شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مالی، دوره ششم، شماره ۲۱، صص ۵۱-۸۲.

۱۰. رحیمیان، نظام‌الدین، توکل‌نیا، اسمائیل و محمود قربانی. (۱۳۹۳). درماندگی مالی و تأخیر در گزارشگری مالی. دانش حسابداری مالی، دوره اول، شماره ۲، صص ۵۷-۷۷.

۱۱. سلیمانی امیری، غلامرضا و عاطفه رحیمی تمرین. (۱۳۹۳). رابطه بین به‌موقع بودن گزارشگری مالی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق

شرکت با توجه اطلاعات آینده، اندازه شرکت، ریسک سیستماتیک و توانایی مدیریت داشته باشند؛ زیرا این عوامل، با توجه به تأثیرشان بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی، می‌توانند از طرف بازار، از عوامل مثبت عملکرد مدیریت در ارائه به‌موقع اطلاعات باشند.

• به قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان سیاست‌های مالی توصیه می‌شود با حمایت بازارهای مالی و بازار سرمایه از بروز اختلال و بی‌ثباتی در آن جلوگیری کنند و قوانین را برای ایجاد و افزایش گزارشگری مالی به‌موقع وضع کنند؛ زیرا گزارشگری مالی به‌موقع در بلندمدت بر توسعه بازار سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری خارجی تأثیرگذار است و باعث شکوفایی بازار سرمایه کشور می‌شود. همچنین، به قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان سیاست‌های مالی توصیه می‌شود در تدوین مقررات به عواملی نظیر استراتژی رقابتی، استراتژی شرکت با توجه اطلاعات آینده، اندازه شرکت، ریسک سیستماتیک و توانایی مدیریت توجه داشته باشند تا سرعت گزارشگری مالی در بازار ارتقا یابد.

منابع

۱. افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با *Eviews* در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی (چاپ اول). تهران: انتشارات ترمه.
۲. افلاطونی، عباس. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و متقارن‌نبودن اطلاعات بر واکنش تأخیری قیمت سهام. پیشرفت‌های حسابداری، دوره هشتم، شماره ۷۰، صص ۱-۲۴.
۳. ایزدی‌نیا، ناصر، فدوی، حسن و میثم امینی‌نیا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر پیچیدگی حسابداری و شفافیت گزارشگری مالی شرکت بر تأخیر در ارائه گزارش

22. Christos V, N., & Vlismas, O. (2017). Strategy, managerial ability and stick behavior of selling, general and administrative expenses, *Management Science*, 63(3), 528-546.
23. Clatworthy, M., & Peel, M. (2010). "Does Corporate Governance Influence the Timeliness of Financial Reporting? Evidence from UK Private Companies, *Accounting and management control department research seminar*.
24. Demerjian, P., B. Lev., & S. MacVay. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity test. *Management Science*, 58(7): 1229-1248.
25. Hung, D, N., & Phuong, N, T. (2018). The Study of Factors Affecting the Timeliness of Financial Reports: The Experiments on Listed Companies in Vietnam, *Asian Economic and Financial Review* 8(2):131-144.
26. Keller, G., & Warrack, B. (2003). *Statistics for management and economics (6th ed.)*. Pacific Grove, CA: Duxbury Press.
27. Li, W, L., & Zheng, K. (2016). Product market competition and cost stickiness, *Rev Quant Finan Acc*, Springer Science, July 2016.
28. Lim, M. How, J. Verhoeven, P. (2014). Corporate ownership, corporate governance reform and timeliness of earnings: Malaysian evidence, *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 10(1), 32-45.
29. Nuchjaree, P. (2012). The Determinants of Sticky cost Behavior on Political Costs, Agency Costs and Corporate Governance Perspectives, www.ssrn.com.
30. Pourali, M., & Jozi, M, Heydari R. (2013). "Investigation of Effective Factors in Audit Delay: Evidence from Tehran Stock Exchange (TSE)". *Research Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology*. 38(4), 405- 410.
31. Qafran, D., & Yasmin, A. (2018). Audit Committee Effectiveness and financial reporting timeliness: The case of Tunisian Listed Companies, *African Journal of Economic and Management Studies*, 33(1), 158-176.
32. Randoy, T., & Jenssen. I. (2004). Board Independence and Product Market
- بهدار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره سوم، شماره ۱۱، صص ۲۱-۳۵.
۱۲. صفائی، عماد، همتی، حسن و رضا داغانی. (۱۳۹۵). ارزیابی تأثیر کیفیت حسابرسی بر تأخیر در گزارشگری مالی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، دوره ۷، شماره ۳، صص ۶۸-۸۵.
۱۳. لاری دشت بیاض، محمود، قناد، مصطفی و حسین فکور. (۱۳۹۷). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، دوره ۱۰، شماره ۳۷، صص ۲۱۵-۲۴۲.
۱۴. محمدرضایی، فخرالدین، تنانی، محسن و ابوالفضل علی‌آبادی. (۱۳۹۷). خطای حسابرسی: تأخیر در گزارش حسابرسی و نقش تعدیلگر مالکیت خانوادگی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۵۱-۷۰.
15. Abernathy, J., Kubick, T, R., & Masli, A. (2018). Evidence on the Relation between Managerial Ability and Financial Reporting Timeliness, *International Journal of Auditing*, 22(2), 185-196.
16. AL-Taha, S. (2015). Timeliness of Audited Financial Reports of Jordanian Listed Companies, *IPASJ International Journal of Management*, 3(2), 39-47.
17. Anderson, M., Asdmir, O. & Tripathy, A. (2013). Use of precedent and antecedent information in strategic cost management, *Journal of Business Research*, 66(3), 643-650.
18. Beaver, W.H. (1968). "The Information Content of Annual Earnings Announcements". *Journal of Accounting Research*, 6(2), 67-92.
19. Becchatti, L., Solferino, N & Tessitore, M, E. (2016). Corporate social responsibility and profit volatility: theory and empirical Evidence, www.ssrn.com.
20. Bentley, K, A., Newton, N, J., & Thompson, A, M. (2017). Business Strategy, Internal Control and timeliness of audit reports, *Auditing*, 36(3), 268-291.
21. Cho, S, Y., & Hao, H, T. (2011). The Influence of Product Market Competition on the Timing and Quality of Corporate Financial Disclosure, <http://ssrn.com/abstract=3561584>.

- thesis for Degree of Master of Philosophy in Business. Lingnan University.
35. Whitworth, J., & Tamara A. Lambert. (2013). Office-Level Characteristics of the Big 4 and Audit Report Timeliness. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Forthcoming. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2267983>.
33. Schroeder, R, G.; Clark Myrtle W. & Jack M. Cathey (2008). *Financial Accounting Theory and Analysis: Text and Cases*, 9th Edition, John Wiley & Sons.
34. Wei, Luo. (2012). Determinants and Implications of reporting Lags in china. A *Competition in Swedish Firms, Corporate Governance*, 12(3), 281-289.

